



امام خامنه ای: تمدن نوین هست؛ چون
معلمان باید ریزش داشته اگر نباشد، تمدنی
نیروی انسانی نخواهد آمد. ۱۳۹۸/۰۲/۱۱

آنچه در این شماره خواهید خواند

صفحه ی ۳
به ما چه؟! شد که شد...

صفحه ی ۲
به ما نپیوند!

صفحه ی ۴
به وقت محرومیت

صفحه ی ۴
رفیقل جونی

صفحه ی ۴
سخنی با نووردان

بچه‌ها بیایید!

فاطمه رحمانی
آموزش ابتدایی ۹۷



با سلام و درود، رحمانی‌شون هستم، مسئول بسیج پردیسمون... قرار شد چند خطی در رابطه با معرفی معاونت‌ها و مسؤولیت‌ها و فلان و بیسارها بنویسم... از اونجایی که تشکیلات بسیج معترف حضور انور همگی مون هست، سخن رو طولانی نمی‌کنم و زود میرم سر اصل مطلب... آقا جان، جان مطلب اینکه که به ما نمی‌پوند! اگه اومدی دانشگاه فرهنگیان که چهارتا درس رو پاس کنی و بری که بری، به ما نمی‌پوند...

اگه دانشگاه فرهنگیان رو انتخاب کردی به هوای چندرغاز حقوق و همین و همین، بهت حق میدم؛ ولی به ما نمی‌پوند! اگه اومدی اینجا به خیال باطل عافیت طلبی و خلاص شدن از دغدغه و گوشه نشینی و فارغ شدن از کنکور، به ما نمی‌پوند آقا، به ما نمی‌پوند... اگه فکر می‌کنی حالا که اومدی دانشگاه فرهنگیان، دیگه راحت و آزاد هر کاری دوست داری میتونی انجام بدی و بی خیال شان و منزلت معلمی بشی و زندگی خودت رو داشته باشی، باید بهت بگم که، داری اجتناب میزنی داداج، نه تنها به ما نمی‌پوند، بلکه از همین راهی که اومدی برگرد...

پدریس شهیده پناالهدی صدر
دانشگاه فرهنگیان پوهنر

اینجا جای آدمای عاشقه!
اگه عاشقی، اگه اصل رو گذاشتی به عاشقی و اهل دلی و در کنارش دوست داری تحول آفرین باشی، میخوای که طرحی نو درافکنی... میخوای که افسر سپاه پیشرفت کشور باشی... عزیزم، خوش آمدی... بیا که آغوش اسلام، ماوای توست.

اسما اسیری
آموزش ابتدایی ۹۸



سفر به ساحل معلمان

روزی اول دانشگاه حس و حال خودشو داره. هم شیرینه، هم گیج کننده. اون موقع واقعاً دیدمون نسبت به همه چیز جالب بود؛ اصلاً هیچ چیز نمی‌تونست خوشحالی ما رو ازمون بگیره. اینکه می‌گم گیج کننده‌ست به خاطر اینکه که فکر کن مثلاً یه روز مدرسه بیای دانشگاه و

یهو همه چیز تغییر کنه؛ یهو معلم بشه استاد، دانش آموز بشه دانشجو، دفتر بشه آموزش و... البته ما تا یکی دو ماه اول همچنان استاد رو (آقا/خانم) معلم صدا می‌زدیم و یه کم طول کشید تا لفظ استاد بجرخه تو زبونمون... ما ترم اولیا همیشه ترم بوقی خطاب می‌شدیم و مدام روزشماری میکردیم کی این ترم تموم بشه و از این حالت ترم بوقی دریابیم؛ البته اگه بفهمم کی این قانون ترمبوقی رو ساخته که دارم برارش؛ ولی ماشاءالله و خدا رو صد هزار بار شکر، ترم بالابیا اونقدر ماه بودن که اصلاً به رمومون نمی‌آوردن و تازه کلی هم دوست ترم بالایی پیدا کرده بودیم. پادمه ترم اول رفتم تو یه کلاس دیدم استاد که همونه؛ ولی چرا دانشجوها عوض شدن؟! باخودم گفتم حتما دانشگاه اینطوره دیگه...! خلاصه نشستیم و استاد شروع به حضور غیاب کردن، اسم همه رو خوندن به جز من... اون موقع بود که فهمیدم ای دل غافل کلاس رو اشتباه اومدی! و یاد اون موقع‌ها که ما سر کلاس قانون می‌داشتیم برا خودمون... قانون بود که هر کی دیر برسه سر کلاس، باید برای بقیه بستنی بخره و این بود که تا کلاس شروع می‌شد همه بدوبدوکنان حاضر می‌شدن و برای بقیه دعا می‌کردن که دیر برسن و یه بستنی مهمون شن که نمی‌شد متاسفانه!

خلاصه از دانشگاه گذشته بریم سراغ خوابگاه. یکی از قوانین خوابگاه اینه که دمپاییت مال همه هست؛ الا خودت، حتی دمپایی این قابلیت رو داره که تا یک هفته مخفی بشه و بعد باز برگرد سر جای خودش «اعوذ بالله»... یا اینکه باید همیشه غذا تو یه جای مخفی تو یخچال بذاری... دیگه خودت میدونی چرا. حالا از شوخی بگذریم دوست دارم بهتون بگم: «زندگی دانشجوایی و ورود به دانشگاه فوق العاده شیرین و لذت بخش هست و خاطراتی رو براتون رقم می‌زنه که هیچ گاه فراموش شدنی نیست».

نوروردهای عزیز؛ قبولیتون رو از صمیم قلب تبریک می‌گم.

منیژه هوشیار
آموزش ابتدایی ۹۷



گمشده‌ها دیگه معلمان

پندنامه ای ناب، در سخن هرچند کوتاه؛ اما وزین آورده‌ام، که بخش کوچک و افتخاری است از هنر من و دانش‌آموختگان همکارم که معلمی شغل نیست، بلکه هنر باقداستی است و سپاس از لطف و کرم خالق دانایی که امانت و رسالت بزرگش از جنس «نون» و «قلم» را به ما ارزانی داشت. از کتاب الهی شروع می‌کنم «افرا باسم ربک الّذی خلق» که صاحب خود را اولین و پرتین معلم به شمار می‌آورد؛ آری، خداوند مقام معلم بودن را پس از خود برای پیچیده‌ترین آفرینشش و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده‌است. پروردگار عالم، دانش و معرفت را از لحاظ شرافت و ارزش در اوج همه مراتب و مقامات قرار داد. در عظمت منزلت و مقام معلم همین بس که بزرگترین معلم جهان بشریت، حضرت رسول خاتم(ص) به این ویژگی خود افتخار می‌کند و بی سبب نیست که معلم پیر انقلاب، امام راجل قدس سره، در شان معلم می‌فرمایند: «مقام معلم مقام والایی است، مقامی بالاتر از مقام معلم نیست».

حضرت آیت الله خامنه‌ای چه زیبا از منزلت معلم به یادگار گذاشته‌اند: «منزلت معلمی فقط این نیست که یکی را تکریم و احترام کنند و دستش را بپوسند؛ منزلت معلمی یعنی تأثیرگذاری در روند تاریخی و مرزبندی فرهنگی یک ملت. اگر جامعه‌ی معلمان بتواند این کار را انجام دهد منزلت معلمی حفظ شده». در جامعه‌ای که بر محور آموزش می‌چرخد، معلم مرکز آن دایره و محور آن حرکت است، پس تو ای دوست معلم؛ دستان توانای توست که شوق به دانستن را در دل متعلم ایجاد می‌کند و چشم‌انداز آینده را ترسیم می‌نماید. ارزش و قداست معلم را در کلام استاد مطهری می‌بایست جست: «معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال رهنمون کند و باید قوه‌ی ابتکار او را زنده کند؛ کار معلم را آتش گیره دادن نامیدند». و فرمودند: «فرق است میان تنوری که در شما بخوانید

آتش از بیرون بپاوید و در آن بریزید تا آن را داغ کنید و تنوری که در آن هیزم و چوب جمع است و شما فقط آتش گیره از خارج می‌آورید و آن قدر زیر این چوب‌ها و هیزم‌ها قرار می‌دهید که این‌ها کم کم مشتعل شود». ایشان ستایش می‌کنند معلمی را که اندیشیدن را پیاپیوند نه اندیشه‌ها را! بله اینجاست که این شرافت‌ها و فضایل برای معلم، زمانی ارزشمند میشود که بتواند این موهبت الهی را در وجود خود محقق سازد و با تمام وجود در جهت کمال جامعه به تعلیم و تربیت بپردازد. آری، همکار عزیزم؛ مسؤولیت و رسالت سنگینی بر دوش تو میباشد. اینجاست که میدانی و میدانیم معلمی شغل عظیمی است و به همان مقدار بزرگ. مسئول تمام مقدراتی که برای یک کشوری پیش می‌آید، مسئول تمام انسان‌هایی که باید انسان بشوند، مسئول تمام جوان‌هایی که زیر دست تو باید تربیت بشوند تو هستی.

به پایان می‌رسانم نوشته‌ام را با سخن دلنواز دکتر شریعتی، آنجا که میفرمایند: «معلمی شغل نیست؛ معلمی عشق است. اگر به عنوان شغل انتخابش کرده‌ای، رهایش کن و اگر عشق توست مبارکت باد».

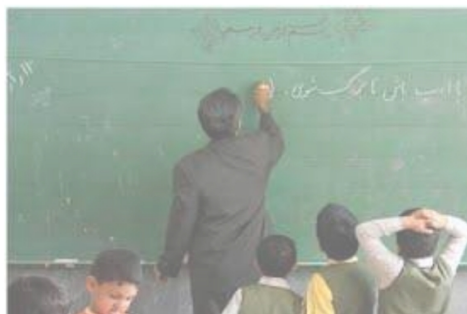
در محار که برایم باقیست
باز هرگاه فکرم را از ترس منازیم
که فرد را با عشق
علم را با احساس
و برانهر را با شعر
دین را با معرفت
هم را با سکوت تدریس کنند...



به ما چه؟! شد که شد...!



نسخه تجربه



سلام به همه‌ی خانوم معلمای گل، از این شماره از نشریه قراره بخشی رو داشته باشیم به نام «نسخه‌ی تجربه»، که توی این قسمت ما به سراغ آموزگاران باتجربه و پرتلاش میریم و ازشون میخوایم به پرسش‌های ما پاسخ بدن. اینجا بخشی از صحبت‌های یک آقامعلم پرتلاش پایهی چهارم رو با هم میخونیم:

سال‌های اول تدریس بدون توجه به خستگی دانش‌آموزان، سعی می‌کردم روند تدریس خود را ادامه دهم و طبق طرح درس پیش بروم که این باعث میشد تدریس بازدهی مناسبی نداشته باشه؛ اما الان در صورتی که رفتارهایی مثل بستن کتاب یا دفترها، نگاه به ساعت یا پرسیدن ساعت، نگاه کردن به جاهای دیگر کلاس یا هم کلاسی‌هایشان و سایر رفتارهای مشابه، متوجه میشوم که خسته هستند و تدریس باید متوقف شود. در سالهای اول آموزگاری ام با هر شرایط روحیای که داشتم (عصبانیت، خواب‌آلودگی، ناراحتی و...) به کلاس میرفتم؛ ولی الان سعی میکنم تمام مسائل شخصی و روزانه خود را پشت در کلاس بگذارم و با لبخند و خشوعی وارد کلاس شوم که با این کار هم کلی انرژی مثبت می‌دهم و متعاقباً هم کلی انرژی از مهربانی بچه‌ها میگیرم. رابطه‌ی عاطفی و صمیمی بسیار خوبی با همه دانش‌آموزانم برقرار میکنم که همین باعث شده مشکلات شخصی و خانوادگی‌شان را که حتی نمیتوانند با والدینشان در میان بگذارند خیلی راحت مرا در جریان قرار میدهند و بنده هم تمام سعی خودم را برای رفع گرفتاری و مشکلمان به کار می‌بندم.

از پیش تعیین شده، زمان کلاس را مدیریت میکنم.

به امید موفقیت تمام معلمین سرزمینم.

«دانشجو مؤذن جامعه است، اگر خواب بماند نماز امت - سطح آگاهی - قضا می‌شود». فی‌الحال که ما را قشر دانشجوی آگاه و تحصیل کرده و مهم‌تر از آن مؤذن جامعه خطاب کرده‌اند، حیف نیست از مسائل روز آگاه باشیم و در آن دخل و تصرف نداشته باشیم؟! حیف که چه عرض کنم زشت است، زشت...! خواهر و برادری که داری این متن رو می‌خونی ناآگاهی بدتر از تلاش نکردن هست، اگر آگاه باشی لااقل رگ غیرت در زیر پوست می‌جنبید و نمی‌گذاری ضرری به جامعه‌ات برسد. جامعه‌ای که به زور جنگ و دندان حفظ شده، بی‌خیالی سم است؛ بی‌خیالی مرض است. آن وقت عده‌ای می‌گویند: «به ما چه؟! شد که شد!» شد که شد؟! پس از مسئول مملکت دیگر نباید انتظاری داشت؛ چون هر کدام از ما یک مسئول هستیم در قبال تمام کارهایی که صورت میگیره. همه‌ی ما انسانیم و ممکن الخطا؛ همه‌ی ما نیاز به یادآوری داریم؛ باید یکی دست ما رو بگیره تا پا کج نذاریم، پس آگاه باشیم تا بتونیم طنابی باشیم واسه بیرون کشیدن افراد از چاه ببیند و باری و نادونی. پس تذاریم نماز امت «سطح آگاهی» قضا بشه. همانگونه که هیچوقت نماز قضا جای نماز اول وقت را نمیگیرد، اقدام بعد از عمل هم ممکن است تأثیری نداشته باشد و دردی را دوا نکند. بیایید تحقق ببخشیم این خواسته مقام عظمای ولایت رو؛ اونجا که میفرمایند: «بنده دلم می‌خواهد این جوانان ما شما دانشجویان؛ چه دختر، چه پسر و حتی دانش‌آموزان مدارس، روی ریزترین پدیده‌های سیاسی دنیا فکر کنید و تحلیل بدهید».



سلام به معلم آینده

دانشجوی نو ورود، معلم آینده سلام؛ امروز که با تلاش و پشتکارت توفیق ورود به دروازه‌های دنیای علم و دانش نصیب شده شکر گزار خداوند باش. مطمئناً کنار تیریک‌های قبولیت در دانشگاه، خیلی‌ها هم لفظ شیرین معلم کوچولو رو نثارت کردن. از من به تو نصیحت؛ دانشجوی نوورود از الان خودت رو در جایگاه معلمی ببین و تمرین کن با عشق یاد دادن رو، تمرین کن صبوری و مهربانی رو. به قول شهید مطهری: «معلمی نه تنها شغل نیست؛ بلکه عرصه و میدان و جولانگاه تأثیر گذاشتن و یاد دادن است؛ یاد دادن آنچه که برای پیشرفت و بزرگ شدن یک شاگرد و دانش‌آموز لازم است. معلمان با اعمال و رفتاری که انجام می‌دهند، روی ما تأثیر می‌گذارند و این تأثیر باعث می‌شود که آن اعمال را از آنها یاد بگیریم». پس حواست باشه تو علاوه بر اینکه شغل آیندت رو معین کردی، انتخاب کردی که در جامعه تأثیر گذار باشی. همونطور که میدونی افراد زیادی در سیستم‌های آموزشی مشغول به کار هستن که فعالیت‌هاشون به طور مستقیم و غیرمستقیم بر تربیت دانش‌آموزان تأثیر میذاره؛ اما در این بین معلم نقش برجسته‌تری دارد. اون رابطه‌ای که دانش‌آموز با معلم دارد رابطه‌ای باطنی و معنوی ست. هر کدام از دانش‌آموزان آینده‌ی تو، در محیط خانواده رفتارهایی آموخته و شخصیت او تا حدودی شکل گرفته‌است، اما هنوز شکل ثابتی نداره و انعطاف‌پذیر و قابل تغییر هست. اون دانش‌آموز پس از خانواده وارد اجتماع جدید مدرسه میشود. او در این اجتماع رفتار و عادات خود را مورد بازنگری قرار میده و شخصیت خود را تکمیل و تثبیت خواهد کرد. بانفوذترین فردی که در این مرحله می‌تواند به او کمک کند، توی مدرسه هستی. دانش‌آموز، معلم را الگوی خودش قرار میده و از رفتار و اخلاق معلم سرمشق میگیرد. به همین خاطر هست که می‌گم تو انتخاب کردی که تأثیر گذار باشی. دانش‌آموز از تمامی رفتارهای توی معلم به‌خصوص نحوه‌ی اداره‌ی کلاس، اخلاق و رفتارت، وقت شناسیت، رعایت عدالت، رعایت نظم، مهربانیت، خوشرویت، ادب، خیرخواهیت و... درس می‌گیرد.

یه چیزی رو میدونی؟ تو هیچ وقت فارغ‌التحصیل نمیشی. می‌گی یعنی چی؟؟ می‌خواهی بدونی چرا اینو میگم؟ شهید بهشتی به زیبایی پاسخ تو میده: «هر یک از دانش‌آموزان که در کلاس شما هستند، یک کتاب تازه نوشته میباشند،

آن هم نسخه منحصر به فرد! مطالعه‌ی این نسخه و این کتاب، شما را از مطالعه‌ی دقیق علمی انسانی دیگر که کتابی دیگر است، بی‌نیاز نمیکند. کسی که با این کتاب سر و کار دارد اگر بخواد آگاهانه با او روبه‌رو شود، باید دائماً در حال مطالعه باشه».

این رو هم به یاد داشته باش که تو فقط آموزش‌دهنده نیستی چرا که الگویی با نفوذ در تعلیم و تربیتی. محدوده‌ی اخلاقیات فراتر از خود توست؛ بنابراین نمیتوانی نسبت به رفتار خود بی‌تفاوت و آزاد باشی. معلم اول باید به تهذیب نفس خود پرداخته و سپس به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان بپردازد.

و در آخر یادت باشه رهبری عزیزمون چی فرمودند:

«معلم باید نسلی باخصوصیاتی از جمله: دانا، باایمان، دارای اعتماد به نفس، دارای امید، نشاط و سلامت جسمی و روحی، با اراده، کم‌هزینه و پرفایده تربیت کند».

و من الله توفیق...

نازیلا رستمی
آموزش ابتدایی ۹۷



بهر وقت محرومیت

وقوع سیل دردناک ۱۶ آذر امسال، فرصتی شد تا دانشجومعلم‌ان بوشهری، پیش از پایان کارورزی توفیق خدمت به دانش‌آموزان مناطق سیل زده را پیدا کنند. دانشجومعلم‌ان پردیس شهیده بنت الهدی صدر بوشهر در اقدامی جهادی با حضور در مناطق سیل زده شهر وحدتیه شهرستان دشتستان به آموزش حضوری در این مناطق پرداختند. گفتنی است آموزش در مناطق شهرستان‌های مختلف استان بوشهر در دستور کار قرار دارد و انشاءالله در آینده‌ای نزدیک شاهد ارائه‌ی خدمات گسترده از سوی دانشجومعلم‌ان بوشهری خواهیم بود.



بچی ولات



رفیق قل‌جونی

سلام علیکم؛ رسیدم خدمتتون که عرض کنم ما اومدیم با یه خونه تکونی حسابی... دکوراسیون نشریه ر زیر و رو کردیمه! خو تا زیاد گپ نزئم تا مدیرمسئول صحرام نکته... رفیق قل‌جونی، دوسل خومونی؛ در خدمتتون هسیم که بگیم سیتون ما اومدیم با تلفیق دوتا نشریه ها... یعنی چه؟ الان سیتون میگم... ما دوتا نشریه یل مونه (یعنی نشریه کاغذی طنین و نشریه صوتی یار دبستانی) یکی کردیم و نومش نهادیم «نشریه کاغذی-الکترونیکی-صوتی یار دبستانی».

از خدا خو پنهون نی، از شما چه پنهون، دلمون خیلی خشه... (خدا کنه دلتون همیشه خش بو) ای مدتی که نبیدمون درگیر کارل مجوز و مسئولیت و هزارا رتا گیر و گرفتاری بیدیم.

خو هیچ دیه زیاد وقتتون نمی گیرم. فقط می خواشم سیتون بگم که منتظر شماره های شاد و جذااااب نشریه یار دبستانی بوبین.

د برین دس خدا...
خداافظتون



دکتر زهرا محمدی
سرپرست پردیس بنت الهدی



سخن با نوواردان

به نام آنکه هستی نام از او یافت، توفیق ورود به دروازه‌های دنیای علم و دانش یکی از موهبت الهی است که هر انسانی بی‌شک در سایه‌ی تلاش و تکاپو در کسب دانش، از این موهبت بهره خواهد جست. دانشجومعلم‌ان عزیز در این دوره‌ی جدید با بهره‌گیری از دانش اساتید خویش، برای ایفای نقشی اثرگذار در آینده‌ی جامعه مهیا می‌شوند. هر چند شروع ترم تحصیلی برای دانشجومعلم‌ان عزیز جدیدالورود به جهت رعایت اصول بهداشتی و صیانت از سلامت آنان در شرایط کرونایی به شکل حضوری نخواهد بود؛ ولی طراوت ورود جمع جدید دانشجومعلم‌ان به محیط دانشگاه همواره نشاط انگیز و امیدبخش است. دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، پژوهشی و همچنین کانون تفکر و جوشش فکری در جامعه محسوب شده و در این راستا بر ما و یکایک اعضای جامعه دانشگاهی واجب است که با ایجاد فضایی سرشار از نشاط، در مسیر پویایی علمی و فرهنگی، هم‌راستا با رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و توجه به اندیشه‌های امام راحل و بزرگ مردان شهیدمان، در محیط دانشگاه تلاش نمایند. این‌جانب ضمن عرض خیرمقدم حضور شما عزیزان، موفقیت شما را در ورود به جمع دانشجومعلم‌ان تبریک عرض می‌نمایم. امید است دانشجومعلم‌ان عزیز با توکل به خداوند متعال، تلاش و کوشش و همچنین تعامل و همدلی با اساتید و پرسنل دانشگاه، موفقیت‌های بزرگ و روز افزونی را در عرصه‌ی علم، فرهنگ، دانش و فناوری بدست آورند.

نشریه کاغذی-الکترونیکی-صوتی یار دبستانی

نشریه‌ی بسیج دانشجویی پردیس بنت الهدی صدر بوشهر

مدیر مسئول: نازیلا رستمی

سر دبیر: فاطمه کلانتری

طراح و صفحه‌آرا: ساحل حیدری

هیئت تحریریه: فاطمه رحمانی، منیژه هوشیار، اسماء اسپری، زیبا آبادی
آزاد، مریم غریبی، یاسمن نامجو بچی
ولات، نازیلا رستمی

با مادر ارتباط باشید

Yaredabestani_ir

Yaredabestani_ir

Yaredabestani_ir

Yaredabestani_ir

قیمت:

اللهم عجل لولیک الفرج